

### روز جهانی زن را به مبارزه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

زنان حکمش اعدام و سنگسار و قصاص می باشد. رژیم ضد زن جمهوری اسلامی با تغییر روز فاطمه تمام سعی و تلاش را برای اسلامیزه کردن جامعه و تحمیل بی حقوقی و ستم بر زنان را به کار گرفته است. پروسه اسلامیزه کردن جامعه ایران، تحمیل حجاب اجباری، جاری کردن قوانین و مقررات ضد زن نتوانسته است عزم و

صفحه ۲

در ایران تحت حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی برگزاری مراسم و تظاهرات های زنان رسماً ممنوع می باشد. حاکمان اسلامی از بدو سر کار آمدنشان با تکیه بر قوانین ارتجاعی و ضد زن اسلام، وحشیانه ترین سرکوب و ترور و بی حقوقی محض را به بیش از نیمی از آحاد جامعه ایران یعنی زنان سازمان داده اند. در حالیکه زنان در سراسر جهان این روز را با اشکال مختلف گرامی می دارند، در ایران روز جهانی زن و مبارزه برای خواستها و مطالبات

به آن فخر و مباهات می ورزد. به چند پاراگراف از سر مقاله شماره ۱۷۹ توجه کنید تا متوجه دفاع تمام عیار این گل سرسید ارتجاع "فرهنگی" -کردی از رژیم هار اسلامی بشوید. "حوادث چند دهه اخیر در جهان اسلام به ویژه پدیده انقلاب اسلامی در ایران، رشد بی سابقه نهضت های بنیادگرایی مبتنی بر بازگشت به اسلام اصیل، به تدریج جایگاه هویت دینی را در سطوح مختلف به عنوان واقعیتهای ملموس و رو به تضاد در جوامع اسلامی عیان کرده است." و در ادامه: "طبیعی است پدیده ای این چنین فراگیر مراحل زایش و رشد اولیه خود را پشت سر نهاده، سپس به عنوان واقعیتهای عمومی و عینی سطح جامعه را پوشانده و همچون ضرورتی انکار ناپذیر بر بخش های مختلف اجتماع نمایانده است." و در آخر: "به نظر می رسد موج فراگیر اصول گرایی و بازگشت به دین و معنویت در جهان اسلام هم چنان پیشرو و پر توان به پیش خواهد رفت. و همچون گذشته وظیفه روشنفکران متعهد است

صفحه ۳



نسرین رضانعلی  
pramzanali@yahoo.com

۸ مارس برابر با ۱۷ اسفند روز جهانی زن فرا می رسد. در این روز تاریخی میلیونها انسان اعم از زن و مرد با برپایی تظاهرات ها و راهپیمایی های وسیع عزم خود را برای رفع ستم از زنان و مبارزه برای رفع تبعیض و نابرابری به حاکمان سرمایه اعلام می دارند.

### "فرهنگ ارتجاع کرد" و جمهوری اسلامی

همه جانبه اش از رژیم، و همکاری اش با ارگان های آن اشاراتی خواهم کرد. در تمام شماره های این مجله، بدون استثنا یک صفحه ثابت آن مختص به مناجات و سروده هایی از ملاها در مدح مذهب و دین اسلام می باشد که بوی تعفن و گندیدگی آن مشام هر انسانی را می آزرده. آری مناجات در مدح و ثنای قوانین و سنت های اسلامی و پیامبرانی که در دوره حاکمیت شان با لشکرکشی به مخالفین خود از کله "کفار" مناره درست کردند در مدح و ثنای محمد که در جنگ با مخالفینش، تجاوز به زنان و دختران "کفار" و اموال آنها را برای سپاه صحابه اسلام را حلال اعلام کرد و الحق سپاهیان اسلام از هیچ جنایتی در تجاوز و کشتار مردم قصوری نکردند. در مدح و ثنای قوانینی که تجاوز به کودکان ۹ ساله دختر را به نام ازدواج، شرعی و محترم می شمارد و... این آن فرهنگی است که مجله سروده به مناجاتش می رود و ارتجاع در کردستان



صالح سرداری

آنچه که تحت نام "جنبش نوین فرهنگی" ارتجاع کرد را به سما آورده، و شب و روز آن را به هزار زبان جار می زنند انتشار روزنامه ها و مجلاتی تحت نظارت و کنترل جمهوری اسلامی به زبان کردی می باشد. در میان این نشریات، مجله ماهانه سروده نزد ناسیونالیست های مترجع کرد از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در این نوشته کوتاه فعلاً تاریخچه و اهداف و مضمون و ماهیت این مجله که ارتجاع از سرپای آن میبارد، مورد بحث من نیست. فقط به نکاتی در مورد ماهیت اسلامی -ارتجاعی و طرفداری

### ۸ مارس، اعلام حقوق جهانشمول زنان

۸ مارس در راهست. این روز، روز اعلام برابری زن و مرد و روز آزادی زن در صحنه های به پهناوری جهان است. روزی است که زن بعنوان انسان برابر و متساوی الحقوق، زنجیرهای قوانین پوسیده دورانهای بربریت و توحش را و تلاش برای مدرنیزه کردن آنها را پاره میکند و حضور خود را مضموم و تسلیم ناپذیر به جامعه بشری اعلام میکند.

مدافعین نظم کشونی، پاسداران ارتجاع و میراث داران فرهنگ و تفکر و گرایش بردگی زن، کثیفترین سنن اعصار و قرون گذشته را بازسازی کرده اند تا در برابر پیام این روز بزرگ مقاومت کنند. زن و "حجب و حیای" او را با زنان حرمسراها و بارگاههای امامان و شاهان و نیاکان هزاران سال پیش معیار قرار دادند، سنگسار را و حجاب و پوشش سیاه و تیره و تاریک را براو روا داشتند، در سطح جامعه به ضرب شلاق و چاقو و قمه و زنجیر بین زن و مرد و دختر و پسر جداسازی بوجود آوردند، بخاطر پشت کردن به سنن مردسالارانه ناسیونالیستی و قوم و طایفه و ایل پرستی، خیانت به ناموس و تجاوز از حریم های ممنوعه را در بوق کردند، به همین "جرم" در قلب اروپای متمدن، جنایتکارانی سر برآوردند،

صفحه ۲

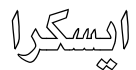
ایسکرا می پرسد  
صفحه ۲

جلاتی پور و بررسی  
"جامعه شناسانه"

صفحه ۳

پاسخی کوتاه به  
یک دنیا محبت

صفحه ۴



سرمدبیر: ایرج فرزاد  
iraj\_farzad@yahoo.com

تلفن: ۰۰۴۶۷۰۳۶۸۸۵۱۱  
فاکس: 00448701687574

آدرس:

K.F.K.S  
Box 15203  
104 65 Stockholm

پست گبرو: ۱۶۷۸۴۷۱-۲

رادیو انترناسیونال

هر شب

۹ تا ۹ و ۴۵ دقیقه

بوقت تهران

طول موج

۴۱ متر برابر با

۷۵۲۰ کیلوهرتز

تلفن:

۰۰۴۴ ۷۷۱ ۴۶۱ ۱۰۹۹  
اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴۲۰۸۹۶۲۲۷۰۷

روزهای یکشنبه

نیم ساعت به

زبان کردی

## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## حقوق جهانشمول زنان

که زن و دختر را به قتل رساندند و با وقاحت تمام آدمکشی خود را در احترام به، و تقدیس میراثهای ناموس پرستانه و مردسالارانه دورانهای برده‌داری و فئودالی و عشیرتی بشریت توجیه کردند.

یک مشت جانور اسلامی را بجان مردم انداختند، تا به ضرب به خون کشیدن حقوق جهانشمول زن که در دو سه قرن اخیر با مبارزات وسیع به کف آمده اند و به همت میلیونها انسان تشنه آزادی به حاکمان نظم حاکم بر جهان تحمیل شده است، بایستند، تا گفته باشند زن ضعیفه است، منشا فساد است، ناقص‌العقل است، به حکم احکام خداوندی و شرع و کلیسا و کنیسه طبیعتاً از جنس درجه دو و سه است، که گفته باشند، وظیفه زن زاد و ولد و رفتار طبق حکمت خلقت، یعنی خدمتکاری مرد، و قناعت به جایگاه بردگی ازلی و دوری از حیات سیاسی و اجتماعی جامعه است. تا گفته باشند آزادی و حرمت زن، در تناقض با سلطه سرمایه و حکومت یک مشت طفیلی است.

۸ مارس گرامی است، چرا که عرض اندام نیمی از جامعه بشری علیه ضدانسانی ترین میراثها و قوانین و سنن دیرین و مدرن بردگی زن و انسان است. این روز را باید به عنوان سمبل عزم پایدار بشر برای ریشه‌کن کردن هر نوع نابرابری و ستم بر زن و مدرن و نوسازی کثیفترین سنن مذهبی و ملی و قومی علیه زن، در برابر ستمگران و مرتجعین حاکم گذاشت.

جنايتكاران حاكم زن ستيز را بايد به موزه ها سپرد و در كنار دایناسورها به نمایش عموم گذاشت. احكام ضد زن و قوانین مذهبی و اسلامی و قومی و عشیرتی منتسب به هر قوم و ملیتی، و تحمیل حجاب و جداسازی بین زن و مرد را باید زیر امواج کوبنده جنبش برابری طلبانه له کرد. □

## ایسکرا می پرسد

سوال از هلاله طاهری در باره ۸ مارس امسال



**ایسکرا:** هشت مارس (۱۷ اسفند) روز جهانی زن نزدیک است. علیرغم اختناق جمهوری اسلامی، سال گذشته به این مناسبت تحرک خوبی در شهرهای کردستان وجود داشت. فراخوان شما برای امسال چیست؟

**هلاله طاهری:** با نزدیک شدن ۸ مارس تظاهرات سال گذشته سنج و سوزاندن حجاب و دور انداختن آن توسط دختران جوان یادآوری میشود. حجاب این سمبل بردگی زن و ناموس اسلام سیاسی، جلو چشمان ناباور رژیم و مرتجعین محل به آتش کشیده شد! این دستاورد با ارزش را دوباره در ابعاد وسیعتری می توان به نمایش گذاشت.

آپارتاید جنسی یکی دیگر از مشخصه های اسلام سیاسی و ابزار سرکوب جمهوری اسلامی است. ۲۳ سال است زنان و مردان را در مدرسه، دانشگاه،

محیط کار و حتی اتوبوسها و دریاها از هم جدا کرده اند. مراسمهای ۸ مارس، آن مکانیست تا با شرکت همگانی همراه با همه اعضای خانواده، نشان داد که به این جداسازی تن نداد و نمی دهیم. در این شکی نیست که بسیاری از فعالین جنبش زنان برای ۸ مارس در تدارک هستند. نکته مهم این است که با درس گیری از پیشرویهای تا کنونی مان باید تلاش کنیم سنگرهای بیشتری را فتح کرد. از ملزومات کار برای این روز: تشکیل گروههای سازمانده این مراسمها، جمعهای ارتباط گیری با دیگر محلات و شهرها و کمیته های هماهنگ کننده مراسم می باشد. باید این بار علاوه بر نمایش اعتراضی و بسته به توازن قوایی که در محل تشخیص داده می شود، خواستهای روشن و رادیکال

## روز جهانی زن را به مبارزه علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم!

عرصه های کار و فعالیت سیاسی و اجتماعی از کارخانه و مدرسه گرفته تا آموزش و پرورش، از دانشگاه و محیط اجتماعی و فرهنگی گرفته تا استخدام و اشتغال، اعتراض به وجود قوانین ضد زن و محدود کننده کار و فعالیت سیاسی و اجتماعی تا خانواده و در یک کلام به کل حیات سیاسی و فرهنگی جامعه، سران رژیم جنایتکار را هراسان کرده است.

در این میان مبارزات زنان در کردستان هم جدا از این جنبش برابری طلبی زنان در سراسر ایران نبوده و نیست. جنبش وسیع علیه آپارتاید جنسی و بی حقوقی زنان در شهرهای کردستان روز به روز قوی تر به میدان آمده و با سازماندهی خود در این روز کلیت رژیم اسلامی را با تمام قوانین ضد زن و ارتجاعی اش به مصاف طلبیده است. ۸ مارس سال گذشته زنان در شهرهای کردستان

پیرامون حقوق زنان و برابری زن و مرد را به میان آورد. باید فرصتها را شناخت و از دست نداد. اگر سال گذشته در سنج فعالین این عرصه توانستند طلسم حجاب را جلو چشمان عده ای بشکنند، امسال باید با پلاکاردهایی چون لغو حجاب اسلامی و لغو آپارتاید جنسی به میدان آمد. بطور سمبلیک حجاب ها را دور انداخته و به آتش کشید، سخنرانی سازمان داد و بالاخره نیروی بیشتری از زنان و مردان را به میدان آورد. نوشتن قطعنامه و نامه های اعتراضی با خواستهای روشن و سکولار، پخش و تکثیر آن، شعار نویسی و تراکت نویسی از دیگر وظایفی ست که می توان در دستور گذاشت.

دانشجویان و محصلین، کلا نیروی جوان، که همواره در طول مبارزات عمومی نقش بسزایی ایفا کرده است، می توانند با ابتکارات جالبی این مراسمها را پیش ببرند. برگزاری سمینار و سخنرانی پیرامون مسائل زنان، بحث و پلمیک سیاسی پیرامون سکولاریسم و آزادیهای وسیع، نمایشگاه عکس از موقعیت جنبش و حقوق زنان، اجرای تئاتر،

با به آتش کشیدن حجاب، این سمبل تحقیر و توهین به میلیونها انسان، و با هوا کردن بادکنک و بالون که رویش نوشته شده بود "نه روسری نه توسری، آزادی آزادی" نشان دادند که زنان در کردستان جمهوری اسلامی و آپارتاید جنسی برگرفته از اسلام را نمی خواهند. حرکات اعتراضی و موفق زنان در شهر سنج در ۸ مارس سال پیش فقط گوشه هایی از جنبش برابری طلبی و رادیکال زنان را به نمایش گذاشت. زنان نشان دادند که برای تحمیل خواسته های خود به جانیان اسلامی و برای رسیدن به مطالبات خود این توانایی و نیرو را دارند که خودشان را سازماندهی کرده و نیروی اعتراضی شان را به میدان بیاورند.

### مردم آزادخواه،

### زنان مبارز

۸ مارس امسال را باید هر چه باشکوهتر برگزار کرد. در این روز با برپائی تجمعات اعتراضی و طرح مطالبات تان روز زن را

مراسمهای رقص و شادی و شیرینی پخش کردن را می توان بسته به توازن قوا و تشخیص در محل، اجرا و تجربه کرد. جنبش زنان در چند سال گذشته موقعیتی بسیار حساس در تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی و فرهنگ و آپسگرا پیدا کرده است. این حساسیت باید به نیروی قوی و متشکلی در جنبش زنان تبدیل گردد تا در کنار سایر نیروهای اجتماعی تکلیف این رژیم را یکسر کند. ۸ مارس یکی از آن موقعیت هاست که می توان نیرو و توان خود را به میدان آورد.

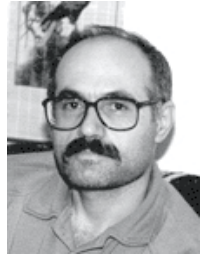
حزب کمونیست کارگری ایران بمثابه پیگیرترین نیروی جنبش برابری طلبی هر ساله با برگزاری کمپین علیه حجاب اسلامی و جداسازی زن و مرد به پیشواز این روز می رود. قطعنامه ۸ مارس بروشنی با نه گفتن به حجاب اجباری و آپارتاید جنسی به جمهوری اسلامی اعلام جنگ می دهد. همه شما فعالین جنبش زنان و مردم مبارز را به این کمپین دعوت می کنم.

به امید پیروزی باورهای مشترکمان!



به روز اعتراض به حاکمیت سیاه حکومت مذهبی، روز اعتراض و مبارزه بر علیه حجاب اجباری این سمبل تحقیر و توهین تبدیل کنید. با اعتراض به بی حقوقی زنان، با مبارزه بر علیه جدا سازی محیط کار زنان و مردان، با اعتراض به قوانین مذهبی جمهوری اسلامی به جانیان اسلامی نشان دهید که زنان کردستان پا به پای مردم ایران متحد و هم صدا اعلام می کنند که جمهوری اسلامی، حجاب اجباری، سنگسار و قصاص نمی خواهند. این مردم همانطوری که در طول بیش از دو دهه به اشکال مختلف به حاکمیت جانیان اسلامی نه بر علیه رژیم ادامه داده و با گسترش مبارزات خود حکم به مرگ جمهوری اسلامی و حکم به پایان دادن به حاکمیت ارتجاع و بربریت اسلامی داده اند. جمهوری اسلامی با تمام قوانین ارتجاعی و ضد زنش باید به زباله دان تاریخ سپرده شود. □

## جلایی پور و بررسی "جامعه شناسانه" جنبش مردم در کردستان



مظفر محمدی

از نظر ایشان:

۱- آنچه در ۲۳ سال اخیر در کردستان رخ داده یک "جنبش کردی" بوده است.

۲- "جنبش کردی" در برابر یک جنبش عظیم میلیونی، مردمی و مذهبی قرار داشته است.

۳- روشنفکران مارکسیست "نیروی قومی کرد" را یک نیروی رهاییبخش تلقی کردند و خطای رهبران مارکسیست از مهمترین عوامل تشدیدکننده بحران کردستان بود.

اینها و چند افاضاتی دیگر لب فلسفه فکری و جامعه شناسی نوین جلایی پور در مورد انقلاب ایران و جنبش مردم در کردستان است.

انقلاب ایران را جنبشی مذهبی نامیدن حرف تازه‌ای نیست. از خمینی و هواداران پرو پا قرص و معتقدش تا خاتمی و هواداران متزلزل و اصلاح طلبش چون

جلایی پورها سالها است تلاش میکنند این تصویر را از انقلاب ۵۷ به مردم و جهانیان بدهند تا در نتیجه حاکمیت اسلامی شان را مشروع جلوه دهند. ۲۳ سال جنایت جمهوری اسلامی با تمام جناحهایش چشم هر انسان غیرواقع بین را هم به این واقعیت غیر قابل انکار باز کرده است که جمهوری اسلامی نه حاصل انقلاب ۵۷ بلکه محصول شکست انقلاب بود. امروز حتی بخش زیادی از صفوف رژیم دیگر به خود جرات نمیدهد بگوید، مردم ایران، کارگران، زنان، جوانان انقلاب کردند تا حکومتی مذهبی سر کار بیاورند، تا آپارتاید جنسی و سنگسار زنان و شلاق زدن جوانان و دست بردن انسان برقرار شود، تا موسیقی و رقص و شادی ممنوع شود و تا مثنی موجودات فوق ارتجاعی به نام شریعت و اسلام

از آن وحشت دارد خلاص کند. اما از آنجا که مطمئن نیستند کسی این بیطرفی را از آنها بپذیرد باید ناچار تاریخ انقلاب ایران و جنبشهای اجتماعی سیاسی و سراسری و محلی را هم تحریف کنند.

از دیدگاه جامعه شناسی نوین جلایی پور، جنبش و خواست اکثریت مردم کردستان "جنبش

کردی و قومی" و در برابر جنبش مردم ایران قرار داشت! نه جنبشی حق طلب و برابری خواه و دوشادوش جنبش آزادیخواهان مردم ایران! و یا این رهبران مارکسیست بودند که از مهمترین عوامل تشدید کننده بحران کردستان بودند نه فرمان مشهور خمینی و نه قتل عام های خلخالی همکار اصلاح طلب امروز جلایی پور و نه خمپاره باران خانه های مسکونی مردم سنندج و نه تحمیل یک جنگ تمام عیار به مردم کردستان و میلیتاریزه کردن شهر و روستاها و حتی کوره راههای منطقه...!

و گویا این ما بودیم که به خطا کشتار قارنا را به جمهوری اسلامی نسبت دادیم و بالاخره این ما بودیم که در مقابل جنبش عظیم مردمی، مذهبی ایستادیم و عمدتا مبین میگذاشتیم و ترور میکردیم... واقعا بیشرمی هم حدی دارد.



### جمهوری اسلامی و ...

که در تعمیق و روشننگری این جریان بکوشند، تا دین خود را به اسلام اصیل و رسول گرامی اسلام که در ماه ولادتش قرار داریم، وامت اسلامی ادا نماید" سرمقاله شماره ۱۸۵ به روشنی رابطه نزدیک و همکاری با ارگان های رژیم در کردستان را به نمایش می گذارد و می نویسد: "هم چنین در باره دومین جشنواره موسیقی کردی که در شماره قبل اطلاعیه آن آمده بود لازم است توضیح دهیم که چون اداره کل ارشاد کردستان هم در پی انجام چنین جشنواره ای بود بر آن شدیم تا به صورت مشترک این همایش را در دهه سوم دی ماه در شهرستان سنندج برگزار نماییم."

آیا واقعا روزنامه ها و نشریات رسمی رژیم به سان این چشم و چراغ طرفداران جنبش "نوین فرهنگی" کرد جرات چنین دفاعی را از جمهوری اسلامی دارند؟ درست در زمانی که در اثر فشار مبارزات مردم ایران خود جنایتکاران رژیم، قادر به دفاع از عملکردهایشان نیستند

می برد، فرهنگی با تمدن و ترقیخواهی در تضاد است و می خواهد مردم را در جهل و خرافه مذهبی و ناسیونالیستی نگه دارد ربطی به مردم امروزی جامعه شهری کردستان ندارد. سال هاست که مردم کردستان این را به مناسبت های مختلف و در میدان های مبارزه با رژیم هار اسلامی و ارتجاع داخلی نشان داده اند. رژیم جمهوری اسلامی و کل اسلام سیاسی در سراسر سقوت قرار گرفته اند هیچ ترفندی تحت هیچ نامی نمی تواند اسلام عزیز مجله سروه و دیگر مرتجعین در ایران و کردستان نجات دهد.

هرکسی که برای برابری و انسانیت مبارزه می کند، هر زن مبارزی که دیگر نمی خواهد بیش از این توسط فرهنگ عقب افتاده و ناسیونالیستی تحقیر شود و خلاصه همه کسانی که برای دگرگون کردن وضع موجود در تلاشند باید چنین پروژه های ارتجاعی را طرد و رسوا کنند.

۲۷ فوریه



از نفرت و کینه قرار دارد. مجلاتی چون سروه و روزنامه هایی مانند سیروان و آبیپر و تلویزیون کردی سحر و انستیتوی کرد در تهران، و فراکسیون "نمایندهگان" کرد در مجلس که با تار و پود رژیم درهم تنیده اند همچنین احزاب و جریانات ارتجاعی کردستان که از اینها دفاع می کنند برای به انحراف کشاندن مبارزه رادیکال و برابری طلبانه مردم کردستان بکار افتاده اند. سکوت تایید آمیز جریانات ناسیونالیست در برابر مزخرفات ارتجاعی مجله سروه زیاد هم تعجب آور نیست، در این مجله کسانی که ناسیونالیسم کرد آنها را مشاهیر خود و تاج افتخار ادب و فرهنگ و میراث کرایه تی نامیده است قلم زده اند و ستونهای اصلی اش را تهیه کرده اند.

اینها ریاکارانه می خواهند این فرهنگ ارتجاع کردستان را به نام فرهنگ مردم کردستان قلمداد کنند فرهنگی که آشکارا از بنیادگرایی اسلامی و اسلام و حکومتش دفاع می کند، فرهنگی که مردم کردستان را به عهد عتیق

های مورد نظر مجله سروه در خون خود غلطبندند؟ آیا دست اندرکاران این مجله از جنایات حماس و جهاد اسلامی و حزب الله لبنان و حرکه اسلامی و جندالاسلام در کردستان عراق و گروهها و دستجات و باندهای اسلامی آدمکش و قاچاقچی مواد مخدر در افغانستان و در صدر آنها طالبان، که همگی از برکات این نهضت اسلامی می باشند، بی خبرند که این چنین به دفاع از این نهضت های اسلامی برخاسته اند؟

اما علیرغم تمام تبلیغاتی که توسط جیره خواران ریز و درشت اسلام و حکومت جنایتکارش می شود، مردم ایران و کردستان می دانند که جمهوری اسلامی در طول ۲۳ سال حاکمیت سیاهش زندگی دو نسل از انسان های آن جامعه را تباہ کرده است. در اولین روزهای رسیدنش به قدرت، با حمله به کردستان، هزاران تن بمب را بر روی خانه و کاشانه مردم ریخت و هزاران نفر را کشت در طی این مدت برای بقایش به هر جنایتی دست زده و به همین خاطر در کردستان نیز مانند سایر نقاط ایران بر روی دریایی

و زبان راست ترین روزنامه های دولتی به انتقاداتی هر چند آبکی از حکومت باز شده است اینها پا را در یک کفش کرده و از عظمت "انقلاب اسلامی" صحبت می کنند.

سر مقاله شماره ۱۷۹ با افتخار از نقش انقلاب اسلامی در رشد نهضت های اسلامی در جوامع اسلامی صحبت می کند. با نگاهی به عملکرد این نهضت های ارتجاعی در خاورمیانه و شاخ آفریقا و افغانستان، می توان ماهیت ضد انسانی و شقاوت اینها را در حق انسان نشان داد. آیا سرمقاله نویس این مجله خبر ندارد چند هزار نفر در الجزایر توسط آدمکشان این نهضت اسلامی که زیر سایه سیاه به قدرت خزیدن اسلام سیاسی در ایران پا گرفت و قوت قلب گرفت، کشته شدند؟ آیا سردبیر و سرمقاله نویس مجله سروه تصاویر شکم پاره کودکان معصوم و بی گناه و قتل عام کلیه ساکنین و حتی حیوانات روستاهایی را بر صفحه تلویزیون های دنیا ندیده اند، که با شمشیر و تبر و چاقو و قمه توسط جنایتکاران وابسته به نهضت

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## خبری از سندج

به بهانه سالروز ۳ اسفند عده ای از مردم سندج در نزدیکی پادگان سندج اجتماع و در صد راهپیمایی بودند که تعداد ۵ نفر از جوانان از داخل یک خودرو پیکان اقدام به سردادن شعارهای مرگ بر رژیم نمودند و بلافاصله از سوی ۳ خودرو نیروی انتظامی تحت تعقیب قرار گرفتند که این تعقیب و گریز سرانجام به دستگیری جوانان انجامید. جوانان دستگیر شده از سوی ماموران مورد ضرب و شتم وحشیانه و ضربات باتوم قرارگرفتند. از سوی دیگر رژیم با مستقر کردن بیش از ۳۰۰ نفر عمل خود در محل اقدام به متفرق نمودن مردم کردند، که به گفته شاهدان عینی اگر این نیروها بلافاصله وبه زور مردم را متفرق نمیکردند ۳ اسفند دیگری تکرار میگردید. دراین روز کلیه نیروهای انتظامی سندج تا ساعت ۹ شب در حال آماده باش قرار داشتند.

## پاسخی کوتاه به یک دنیا محبت

از آن زمانی که خبر بیماری همسر منصور حکمت (ژوبین) به اطلاع عموم رسید دوستان بیشماری از طریق نامه و پیام تلفنی، نگرانی و تأثرشان را از بیماری او ابراز کردند. در غم و هراس ما سهیم شدند. سیل نامه و پیام تلفنی من و خانواده‌ام را غرق عشق و محبت کرد. در این روزهای سخت و پر اضطراب این نامه‌ها و پیام‌ها دلگرم کننده و امیدبخش بود. در این شرایط پاسخ به تک تک نامه‌ها برایم مقدور نیست و مطمئنم شما دوستان عزیز این موقعیت را درک میکنید. فقط این را بگویم که این ابراز محبت بیگران شما تحمل این دوران پر از غم و هراس و رنج را آسانتر کرده است. امیدوارم که معالجات موثر واقع شود و آینده روزهای خوش‌تر، پر امید تر و روشن‌تری را به ارمغان بیاورد.

دستتان را بگرمی میفشارم

آذر ماجدی

## جلائی پور و...

تحویل مردم و نمایندگانشان داده و به خانه‌هایشان برون، میخواستم اداره امور شهر بدست مردم باشد نه مقرات ارتش و سپاه و آخوندهایی چون صفدری و مفتی زاده و دیگران... من همانوقت هم به رژیم شما اعتماد نداشتم و قبول نداشتم. اگر ذره‌ای وجدان و انصاف برایتان باقی مانده بود به من و همه کسانی که مثل من بودند حق میدادید! آیا ۲۳ سال وقت و یک نسل کشتی تمام لازم بود تا این حقیقت تلخ ثابت شود! حتی به خود شما که یکی از کمک کنندگان به بنیاد این رژیم نکتبیار بودید و حالا اصلاح طلب شدید و میخواهید من باورت کنم؟ من آنوقت هم نه ناسیونالیست بودم و نه متعلق به جنبش کردی، نه من، بلکه اکثریت عظیم مردم کردستان که تا امروز هم با ما هستند خواهان "جنبش کردی" نبودند و همه آرزو میکردیم که بعد از رژیم شاه دیگر نوبت سعادت و خوشبختی و آزادی و رفاه و عدالت اجتماعی و برابری باشد برای همه و در سراسر ایران... جلائی پور حتی پا را فراتر نهاده و بگونه‌ای تحقیرآمیز میگوید که مارکسیستها "نیروی قومی کرد" را یک نیروی رهاییبخش تلقی میکردند. عجب زکاوتی! این جور حرف زدن در باره مارکسیسم تنها کار کسانی است که از تهران به کردستان رفته و برای جوانان نقده کلاس نقد مارکسیسم گذاشته باشند! باید نام کارگر و زن و جوان و مردم زحمتکش و آزادیخواه را خط زد، تا ایستادگی مردم در برابر جمهوری اسلامی و قوانین شریعت و اسلام سیاسی و کشتار و جنگ و جنایاتش را "قومی کردی" نامید. جلائی پور در

این تحلیل ظاهرا زیرکانه تنها نیست که میخواهند جنبش کارگری، کمونیستی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه را تحت عنوان "نیروی قومی کردی" قلمداد کنند. چرا که این کار برای جمهوری اسلامی کم ضرتر است. جنبش قومی (ناسیونالیستی) را میشود مهار کرد، با آن ساخت و خریدش و با آن بازی کرد، تجربه حزب دمکرات کردستان و بازی دانه‌های آن را دارند و یا تجربه جنبش ناسیونالیستی و از نوع طالبانی در کردستان عراق را هم دارند که چگونه میشود خریدش و افسارش را بدست گرفت، اما جنبش کمونیستی و کارگری و آزادیخواهانه را به آسانی نمیتوان حریفش شد مگر اینکه با زور و سرکوب وحشیانه به سراغش بروند. جلائی پور این جامعه شناس به قول خودش "متاخر و مدرن" اما با توسل به ورد و افسون مذهبی اش میخواهد جنبش مردم کردستان را در یک کاسه کند تا نتیجه بگیرد که این جنبش پوششی عقیم است، و با این کشف خیال همه را راحت کند و آب پاک روی دست ناسیونالیستهای کرد بریزد که بیخود خودشان را خسته نکنند و تماما برگردند به آغوش رژیم اما بخش و جناح اصلاح طلب و ۲ خردادیش. و آخرین راه چاره هم برای مواجهه سازنده با مسایل قومی و سیاسی و حتی طبقاتی از نظر ایشان گفتگو و دیالوگ است. البته او نیز واقف است که تتر دیالوگ نه چندان تازه‌شان متحد خود را در میان "مارکسیستها" قومی از قبیل عبدالله مهتدی و یارانش پیدا میکند و وقتی از مارکسیستها حرف میزند اساسا مخاطبش هم

انها است. وگرنه این متقد مارکسیسم و استاد جامعه شناسی و کردشناسی نباید از نظرات کمونیسم کارگری در باره جنبش کردستان و مباحثات مهم مارکسیسم و مساله ملی منصور حکمت و دیدگاههای ما در مورد فدرالیسم و ارتجاعی بودنش و بالاخره کوهی ادبیات در همین زمینه در کتابها و نشریات ما بی اطلاع باشد. اما او خودش را به نفهمی میزند تا وانمود کند که جنبش کردستان تماما "قومی کردی است" و "مارکسیستها"ی مکتب حجابیان و دوخردادی هم مهتدیها و ایلخانیزاده‌ها هستند. اما این ۲ خردادی محقق، تنها نقدش به جنبش مردم کردستان تحت عنوان قوم گرایی نیست بلکه بنیادگرایی مذهبی را هم کنار و هم‌تراز آن قرار داده و مدال ناجی و رهاییبخشی را به خود و انجمنهای اسلامیش و بالاخره جناح ۲ خرداد رژیمش میدهد که گویا در سایه مجاهدتهای آنها هم علیه بنیادگرایی مذهبی و هم علیه جنبش کردی (منظور جنبش آزادیخواهانه مردم کردستان است)، حالا وضع فرق کرده و "اگر وزارت کشور در انتخاب استاندار کردستان با نمایندگان مجلس ششم مشورت نمیکند صدای آنها بلند میشود". اما در حقیقت این آرزوی شیرین نجات جمهوری اسلامی از جنبشهای آزادیخواهانه و حق طلبانه کارگران، زنان، جوانان و معلمان و همه اقشار زحمتکش مردم در

سراسر ایران است که بر باد رفته و عقیم مانده است. جلائی پور بارها بر گرایش بنیادگرایی مذهبی تاکید میکند و حساب خود و دیگر همکاران ۲ خردادی اش را از آن جدا میکند تا شاید به این وسیله بار مسوولیت‌هایشان را کم کرده و شریک بودنشان را در جرایم ۲۳ ساله جمهوری اسلامی کاهش دهد. اما مساله بشناس و ببخش ماندلایی هم مصداق حال و وضع جمهوری اسلامی و دست اندرکارانش از هر دو جناح نیست. و توصیه "تجربه آموزی و دیالوگ و مواجهه سازنده با نابرابریها و تبعیض و با مسایل قومی" هم دیگر درد این رژیم و کارگزارانش را درمان نمیکند. دیگر کسی دل به این وعده‌ها خوش نمیکند. مردم، جمهوری اسلامی و حامیان خودی و غیرخودی اش را میشناسند اما نمیبخشند. دیگر دیر شده و هر گونه ترفند اصلاح رژیم و فراخوان به گفتگو و یا بخشش بیهوده است. جمهوری اسلامی باید برود. این آرزو و خواست میلیونی مردم ایران است و برای آن به خیابان آمده اند و هیچ رنگ و بوی قومی و کردی مذهبی ندارد. این صدایی یکپارچه است که از گلوی دهها میلیون کارگر، زن، جوان و مردم زحمتکش و به جان آمده بیرون میآید و جنسیت و مذهب و ملیت و غیره نمیشناسد. هرگونه رفع ستم ملی، جنسی، طبقاتی و استبداد سیاسی در گرو سرنگونی جمهوری اسلامی است و این امروز دیگر بر همگان روشن است. جلائی پور ها میتوانند خود را به نفهمی بزنند و به نجات اسلام سیاسیاش فکر کنند، اما حکم رفتن رژیمشان قطعی است.

